



۱۲ اگست، ۲۰۲۳

دوکتور نور احمد خالدي

## استعمار، ترقی خواهی و ارتجاع مذهبی

(به مناسبت یکصد و چهارمین سالگرد استرداد استقلال سیاسی افغانستان)

قسمت اول



هشتم اگست سال ۲۰۲۳ مصادف بود به ۱۰۴مین سالگرد ختم جنگ سوم افغان و انگلیس و تأیید استقلال کامل افغانستان از جانب انگلستان. جنگ سوم افغان و انگلیس که از دوم می تا دوم جون سال ۱۹۱۹م دوام کرد با امضای توافقنامه آتش بس به تاریخ هشتم اگست سال ۱۹۱۹ در راولپندی، رسماً به پایان میرسد.

در آن روز سر هملتن گرانت رییس هیات انگلیسی که وزیر خارجه حکومت هند برطانوی نیز بود طی مکتوبی عنوانی علی احمد خان وزیر داخله و رییس هیات افغانی، که ضمیمه توافقنامه راولپندی است، تأیید میکند که حکومت انگلستان استقلال افغانستان را در امور داخلی و خارجی برسمیت میشناسد. او هم چنان در این مکتوب تأیید میکند که "با این جنگ و این موافقتنامه، تمامی معاهدات قبلی میان دوجانب فسخ شده محسوب میگردند".

متعاقب آن ۱۲ روز بعد، شاه امان الله خان این توافقنامه را به تاریخ ۱۹ آگست ۲۰۱۹ یا ۲۸ اسد ۱۲۹۸ هجری شمسی توشیح نموده و این روز را روز رسمی استقلال و رخصتی عمومی اعلان کرد. به این اساس امان الله خان وعده ایرا که حین تاجگذاری خود در ۳ مارچ ۱۹۱۹م به مردم افغانستان داده بود جامه عمل میپوشاند. بدین گونه مداخلات استعماری مستقیم انگلیسها در امور افغانستان که از سال ۱۷۹۶م در زمان سلطنت زمانشاه نواسه احمدشاه بابا آغاز گردیده و برای ۱۲۳ سال بعدی ادامه داشت بود خاتمه می یابند.

در طول این مدت سیاست انگلیسها در برابر افغانستان سه مرحله آتی را در بر داشت:

۱. تضعیف، گسست و زوال امپراطوری ابدالی از داخل و با کمک رقبای منطقوی آن (۱۷۹۸-۱۸۳۷م)؛

۲. اقدام مستقیم در مستعمره ساختن افغانستان (۱۸۳۸-۱۸۴۲، و ۱۸۷۸-۱۸۸۰م) و

۳. تبدیل افغانستان به یک کشور حایل تحت حمایه (۱۸۸۱-۱۹۱۹م).

### **مرحله اول - تضعیف، گسست و زوال امپراطوری ابدالی (۱۷۹۸-۱۸۳۷م):**

بر خورد اول افغانها با استعمارگران انگلیسی با آنکه بصورت غیر مستقیم صورت گرفت اما برای ملت افغانستان مرگبار بود.

در سال ۱۷۹۸م مردم هندوستان و مهاراجه های آن از گسترش استعمار انگلستان توسط کمپنی هند شرقی در بنگال، مدراس، میسور و بمبئی به تشویش بوده از زمانشاه پادشاه افغانستان دعوت میکنند تا برای راندن انگلیسها از هندوستان به هند لشکرکشی کند. مهاراجه های هندوستان حاضر شدند روزانه یک لک روپیه مصارف اردوی زمانشاه را بپردازند. زمانشاه با قوای بزرگی به هند لشکر کشی میکند.

انگلیسها دست و پاچه شده به فکر چاره می افتند و آنها مهد علیخان بهادر جنگ را با اعتبارات زیاد به دربار فتح علیشاه قاجار به ایران اعزام میکنند و از شاه قاجاری میخواهند تا بالای افغانستان لشکر کشی کند. در این زمان شاه قاجار از حکومت درانی بالای مشهد و خراسان ایران نیز ناراضی بود و در صدد بهانه میگشت. مهدعلی خان خودش مینویسد که او از شاه خواست تا شاهزاده شاه محمود برادر زمانشاه و پسر او کامران را کمک کند تا جانشین زمانشاه گردد. قوای زمانشاه در نزدیکی های دهلی رسیده بود که خبر لشکر کشی ایرانیها به قندهار به او میرسد. او ناگذیر به قندهار بر میگردد که در آنجا گرفتار و از دوچشم نا بینا شده شاه محمود به عوض او به تخت مینشیند.

بدین سان با توطئه انگلیسها و کمک ایرانیها برادر کشیها و جنگهای خانگی میان شاهزاده گان و بزرگان قومی سدوزاییها، بارکزیاییها در افغانستان آغاز و دامن زده میشود و برای چهل سال تا جنگ اول افغان و انگلیس در سال ۱۸۳۸م در زمان پادشاهی امیر دوست محمد خان ادامه میابد. استعمار گران انگلیسی بعد از چهل سال دسیسه و اتحادهای نامقدس با همسایگان منجمله رنجیت سنگ در شرق، دولت قاجاری فارس در غرب، و تحریک شاهزاده گان برضد یکدیگرموفق به تضعیف دولت مقتدر ابدالی میگردند. رنجیت سنگ در طول ۱۶ سال از ۱۸۱۸م تا ۱۸۳۴م به کمک انگلیسها کشمیر، ملتان، سند را تصرف کرده در سال ۱۸۲۰م از دریای سند عبور میکند مناطق پشتون نشین دیره غازی خان، را تصرف میکنند تا اینکه در سال ۱۸۳۴م پشاور را اشغال میکنند. در سال ۱۸۳۸م از امپراطوری ابدالی چهار قدرت محلی باقیمانده بود: کابل، امیر دوست محمد خان، قندهار سردار کهندل خان، هرات شهزاده کامران میرزا (پسر شاه محمود) و ترکستان افغانی که از دریای آمو تا کوههای هندوکش بود بدست حکام محلی افتاده بود. به اینصورت در سال ۱۸۳۹م شرایط برای اشغال افغانستان توسط انگلیسها کاملاً فراهم بود.

**مرحله دوم: اقدام مستقیم در مستعمره ساختن افغانستان (۱۸۳۸-۱۸۴۲، و ۱۸۷۸-۱۸۸۰م)**  
انگلیسها دوبار کوشیدند افغانستان را مانند هندوستان به یک مستعمره تمام عیار مبدل نمایند. بار اول انگلیسها به بهانه پیشگیری از روسها، در ماه مارچ سال ۱۸۳۹م جنگ اول افغان و انگلیس را برای اشغال و مستعمره ساختن بالای افغانستان تحمیل میکنند.

نتیجه نهایی آن شد که در نتیجه مقاومت مردم افغانستان انگلیس ها در سال ۱۸۴۲م مجبور به عقب نشینی بسوی جلال آباد میشوند که در منطقه گندمک از طرف افغانها طرف حمله قرار گرفته همه به استثنای محدودی زندانی کشته میشوند و تنها شخصی بنام داکتر برآیدن خود را به جلال آباد رسانیده خبر نابودی قوای انگلیسی را به قوای انگلیسی مستقر در آنجا میرساند.

افغانها اختلافات قومی و زبانی خود را یکطرف گذاشته و برای اخراج انگلیسها از پایتخت خود متحد شدند.

در کابل شاه شجاع کشته میشود و انگلیسها ناگزیر امیردوست محمد خان را از اسارت آزاد کرده او دوباره به امارت افغانستان میرسد.

امیردوست محمد خان بعد از وفات سردار کهندل خان، قندهار را تابع مرکز میکند و ترکستان افغانی را در سالهای ۱۸۵۰م تا ۱۸۵۵ دوباره به دولت مرکزی متحد ساخت، متعاقباً در سال ۱۸۶۱م بالای

هرات لشکر کشیده بعد از ده ماه محاصره شهر را تسلیم میشود و به اینصورت اتحاد تمام سرزمینهای فعلی افغانستان بار دیگر تأمین میشود.

بار دوم انگلیسها مطابق استراتژی استعماری فوروارد پالیسی خود خواستند بزور سفیر خود را در کابل مستقر کنند. بیاد بیاوریم که در سپتمبر سال ۱۸۷۸م امیر شیرعلی خان، به پیروی از امیر دوست محمد خان (۱۸۴۳م)، بازم از قبولی سفیر انگلستان بدربار کابل اجتناب میکند. با وجود آن لارڈ لایتن و ایسرای هند برطانوی بدون موافقه امیر به اعزام سفیر خود به کابل اقدام میکند. مأمورین سرحدی افغان در شرق دره خیبر از ورود نیول چمبرلن **Neville Bowles Chamberlain** که، بعدها صدراعظم بریتانیای کبیر شد، به عنوان نماینده اعزامی دولت انگلستان به خاک افغانستان جلوگیری میکنند. در مقابل لارڈ لایتن و ایسرای هند برطانوی میخواهد بزور سفیر خود را در کابل نصب کرده افغانستان را به یک مستعمره تمام عیارمبدل نماید. برای این منظور قوای برطانوی از سه محاذ مشرقی، جنوبی و قندهار در سال ۱۸۷۸ بالای افغانستان حمله نموده و با آغاز جنگ دوم افغان و انگلیس کابل را در محاصره میگیرند. امیر شیرعلی خان برای جلب حمایت روسها به بخارا میرود اما مایوسانه به مزارشریف برگشته در همانجا وفات میکند و پسرش محمد یعقوب خان در کابل جانشین او میگردد.

انگلیسها به خونخواهی نابودی کامل اردوی انگلستان در جنگ اول افغان و انگلیس که در سال ۱۸۴۲م در منطقه گندمک بین کابل و جلال آباد واقع شده بود، در همان محل خیمه زده و معاهده گندمک را در ۲۸ می ۱۸۷۹ بالای امیرمحمد یعقوب خان تحمیل کردند. معاهده گندمک دو شرط اساسی داشت:

- ۱ - دولت افغانستان سفیر دولت هند برطانوی را که اروپایی نژاد خواهد بود در کابل قبول کند؛
  - ۲ - دولت افغانستان روابط خود را با کشور های خارجی به مشوره سفیر انگلیسی اجرا نماید و در بدل آن دولت هند برطانوی سالانه یک سبیدی یا کمک پولی به افغانستان میپردازد.
- سر لویی کیوناری که معاهده گندمک را با امیر امضا کرده بود با حمایت قوای انگلیسی به حیث سفیر بریتانیا وارد کابل میشود. طی دو ماه اقامت خود در کابل، کیوناری به وضاحت نشان داد که نقش او نه تنها مشوره دادن در امور خارجی بوده بلکه در عمل به مثابه زمامدار اصلی فعالیت خواهد کرد. به این ترتیب شرایط تبدیل کشور به یک مستعمره مستقیم بریتانیا فراهم شده بود. اما مردم افغانستان خیالات دیگری داشته دست به قیام زدند و با تار و مار کردن قوای انگلیسی مقیم

کابل و کشتن سر لویی کیوناری، دو ماه بعد از آمدن او، پاسخ لازم را به بریتانیا دادند. خارجیا نمیتوانند بالای مردم افغانستان مستقیماً حکومت کنند!

متعاقباً قوای انگلیسی وارد کابل شده به تنبیه مردم شهر میپردازند. امیر محمد یعقوب خان از سلطنت دست شسته و انگلیسها او را به هندوستان تبعید میکنند. اغتشاش و نا آرامی ادامه می یابد و در این گیرو دار سر کلاوه از دست انگلیسها گم میشود.

مردم شمالی و رهبرانی مانند میر مسجدی خان و برادرش میر درویش به جمع آوری قوا میپردازند و تحت زعامت میر بچه خان قوای انگلیسی را در شمالی مورد حمله قرار میدهند در حالیکه برادران جنوبی آنها به رهبری ملا مشک عالم از جنوب شهر کابل را طرف حمله قرار میدهند.

تا آنکه انگلیسها در مقایسه با شرایط هرج و مرج و اغتشاش به امارت عبدالرحمان خان برادر زاده امیر شیر علی خان بالای تمام کشور موافقه نموده موصوف از بخارا بکابل آمده در جولای سال ۱۸۸۰م به حیث امیر زمام امور کشور را بدست میگیرد. به تعقیب آن انگلیسها در جنگ میوند شکست فاحش خورده از افغانستان خارج میگردند.

در مقایسه با شرایط هرج و مرج و اغتشاش در سرحدات شمال غرب هند برطانوی انگلیسها ناگذیر امارت امیر عبدالرحمان خان را ترجیح داده از تاکید به داشتن سفیر در کابل صرف نظر کرده اما نظارت بر امور خارجی افغانستان را به عهده میگیرند.

### **مرحله سوم: تبدیل افغانستان به یک کشور حایل تحت حمایت (۱۸۸۱-۱۹۱۹م)**

متأسفانه پیروزی افغانها در جنگ دوم افغان و انگلیس به پیروزی دیپلماتیک مبدل نگردید و به عوض آنکه امیر عبدالرحمان خان شرایط افغانستان را به انگلیسها دیکته نماید از انگلیسها خواست که آنها چه میخواهند. در نتیجه انگلیسها قادر شدند با وجود شکست در جنگ، افغانستان را به یک کشور حایل تحت حمایت خود مبدل نموده زمام امور روابط خارجی، منجمله تعیین حدود سرحدی آنرا بدست گیرند.

در این زمان انگلیسها با قبول شکست سیاست مستعمره سازی مستقیم افغانستان، برای محافظت از دولت هند برطانوی به اجرای یک بازی بزرگ استعماری در منطقه پرداخته که هدف آن تبدیل افغانستان به یک منطقه حایل میان هند برطانوی و روسیه تزاری از یکطرف و میان دولت هند برطانوی و دولت قاجاری فارس از جانب دیگر و تحت حمایت قرار دادن افغانستان با بدست گرفتن روابط خارجی دولت افغانستان بود.

بر همین اساس انگلیسها تعیین سرحدات کشور را با توافق امیر عبدالرحمن خان به عهده گرفته و در مقابل سبسی یا کمک پولی سالانه برای ۳۹ سال آینده تا معاهده راولپندی به دولت افغانستان می پردازند. در زمان امیر عبدالرحمان خان و متعاقب او پسرش امیر حبیب الله خان، انگلیسها در تعیین خطوط سرحدی افغانستان با همسایگان به حکمیت میپردازند اما در اداره امور داخلی کشور نقشی ندارند.

### **اشغال پنجاه توسط روسهای تزاری:**

وزرای خارجه انگلستان و روسیه تزاری به ترتیب (لورد گرینویل) (Lard Granville) و (پرنس گورچکوف) برای تثبیت سرحدات افغانستان و روسیه تعیین گردیده در سال ۱۸۷۳م مطابق با ۱۲۹۰هـ به موافقه رسیدند و مرزهای شمالی افغانستان با روسیه تزاری روی کاغذ تثبیت گردید. زمانیکه امیر عبدالرحمن خان در سال (۱۸۸۰م) مطابق (۱۲۹۷هـ) به اقتدار رسید در دوران حکمروایی او مرزهای افغانستان تعیین و تثبیت شد بدین ترتیب با انگلیس و روسیه تزاری مذاکره آغاز شد و موافقه به عمل آمد تا هیأت مشترک سه کشور فوق الذکر در مان نومبر سال (۱۸۸۴م) در سرخس حاضر شوند. مگر عساکر تزاری پیشروی خود را در آسیای میانه ادامه دادند تا به نزدیک پنجاه رسیدند و از پل خاتون که بالای دریای هریرود موقعیت دارد به حیث یک پایگاه نظامی استفاده کردند. در سال (۱۸۸۵) پنجاه و آفتیبه توسط عساکر روسی اشغال گردید. پس از این واقع برای بار دوم مذاکرات میان نماینده گان بریتانیا و روسیه تزاری در لندن آغاز شد و برای تثبیت مرزهای شمالی افغانستان چندین بار میان هیأت های کشورهای مذکور مذاکره صورت گرفت. تا بالاخره در سال (۱۸۸۷م) پروتوکول شش فقره یی به امضاء رسید که به اساس آن سرحدات شمال غربی که به نام خط ریجوی) ُ ( Ridge way موسوم است توسط هیأت تزاری و انگلیس (کاپیتان کامروف و چارلس یت) برای مدت چهار سال به طول (۵۶۰) کیلومتر از دره ذوالفقار تا خماب توسط خط کوتاهی ذریعه نصب پیلرها تثبیت و تعیین گردید.

### **معاهده خط دیورند:**

معاهده دیورند بتاريخ ۱۲ نوامبر ۱۸۹۳م میان امیر عبدالرحمن خان و سر هنری مورتمر دیورند، وزیر خارجه دولت هند برطانوی در کابل به امضا رسید. در آن زمان مطابق به معاهده تحمیلی استعماری سال ۱۸۷۹م گندمک، افغانستان در اعمال امور سیاست خارجی خود وابسته به هند برطانوی بود. معاهده درپورند ۷ ماده دارد و حوزه های نفوذ دو دولت را بالای اقوام قبایلی که در غرب دریای سند از چترال تا بلوچستان زندگی میکردند، تعیین میکند. با آنکه این مناطق در حقیقت

قبلاً با تجاوزات رنجیت سنگ و انگلیسها از زیر اداره دولت افغانستان بیرون شده بودند اما در آنزمان این مناطق از لحاظ اداری شامل هند برطانوی نبودند.

معاهده ۱۹۲۱م کابل که بعد از احراز استقلال سیاسی میان دولت بریتانیا و افغانستان عقد شد معاهده دیورند را تأیید میکند اما این معاهده صرف برای سه سال مدار اعتبار بود و بعد از سه سال هرکدام جانبین میتوانند با یکسال اطلاع قبلی این معاهده را فسخ نمایند. افغانستان در لویه جرگه ۲۶ جولای سال ۱۹۴۹ این معاهده را یکجانبه فسخ کرد. این ادعا که افغانستان مطابق کنوانسیون جنیوا در مورد معاهدات بین المللی حق ملغی کردن یکطرفه معاهده سال ۱۹۲۱م کابل را ندارد نیز نادرست است زیرا کنوانسیون جنیوا در سال ۱۹۶۹م منعقد شد و به معاهدات بعد از آن تاریخ اعتبار دارد و به ماقبل خود رجعت نمیکند. بنابر آن افغانستان هرگز حق خود را در باز گرفتن مناطق از دست رفته پشتون نشین غرب دریای سند از دست نداده است.

دوران عبدالرحمان و حبیب الله خان در واقع دوران ثبات توأم با خشونت بود. انعقاد معاهده دیورند زمینه های تسلط داخلی را بدون تشویش از مداخلات انگلیسها فراهم نموده بود. با از دست دادن استقلال در سیاست خارجی، افغانستان عصر امیر عبدالرحمن خان و پسرش زمینه ساز ثبات همه جانبه داخلی گردید. تأثیرات سیاست سرکوب، از بین رفتن نظم ملوک الطوائفی، کمرنگ شدن نظم فئودالی، رنگ باختن نقش روحانیت به دلیل ایجاد اساس القضاة (بدست گرفتن اوقاف) بود. امیر قوی پنجه توانست با متمرکز کردن قدرت، ساختن اداره مستحکم، اردوی پایدار، نظم دولتی را در جامعه متکثر القوم افغانستان به یادگار بگذارد.

پایان قسمت اول